

بررسی رویکرد سفرنامه‌نویسان خارجی نسبت به زردشتیان در عصر ناصری و مظفری

فرهاد صبوری^۱

محمود طاووسی^۲

کتابون مزداپور^۳

چکیده: دست‌یابی به نگرشی کلی در حوزه‌ی تاریخ فرهنگ، مستلزم شناخت اوضاع تاریخی و اجتماعی اقلیت‌های جوامع است. زردشتیان به‌مثابه‌ی بقایای پیروان آیینی باستانی، علی‌رغم تحولات تاریخی، هنوز در ایران و هند و دیگر کشورها زیست می‌کنند. آنان را در ایران «زردشتی» و در هند «پارسی» می‌نامند. این دو اقلیت دارای ریشه‌های فرهنگی مشترکی با یکدیگرند. شناخت اوضاع فرهنگی و اجتماعی آنان در گذشته و حال، مستلزم تتبعات تاریخی است. در این میان، توجه به آرای سیاحان و مأموران اعزامی به ایران جایگاهی خاص دارد. در دوره‌ی قاجار، به‌ویژه در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، بسیاری از این سیاحان و مأموران، ضمن گفت‌وگو درباره‌ی مسائل فرهنگی و اجتماعی ایران، بسته به رویکردهای مختلف خود، به بیان نظر راجع به زردشتیان پرداختند. در این نوشتار به آراء و رویکردهای سفرنامه‌نویسان خارجی عصر ناصری و مظفری درخصوص زردشتیان پرداخته می‌شود. همچنین، علل این رویکردهای غالباً مثبت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: زردشتیان، فرهنگ زردشتی، سفرنامه نویسان، عصر ناصری، عصر مظفری

۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس F-saboori55@yahoo.com

۲ استاد گروه پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس

۳ استاد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۲۲، تاریخ تأیید: ۹۱/۲/۳۰

A Study on Foreign Travelogue Writers' Approaches to the Zoroastrian in Nasirid and Muzaffarid Eras

Farhad Saborifar¹

Mahmood Tavoosi²

Kataioon Mazdapoor³

Abstract: Zoroastrians as the followers of an ancient religion are still living in Iran, India and other countries despite historical changes. They are called *Zoroastrian* in Iran and *Parsi* in India. Recognizing their cultural and social status at present and past requires historical studies and researches. To do this, views of travellers and officials commissioned in Iran are of great importance. In the Qajar period especially under Nasir ud Din Shah and Muzaffar ud Din Shah, most of these travellers and officials while speaking about cultural and social matters in Iran, have expressed their own ideas about Zoroastrians. In this article these ideas as well as the causes of often positive approaches to the Zoroastrians have been studied.

Keywords: Zoroastrian, Zoroastrian Culture, Travelogue Writers, Nasirid Era, Muzaffarid Era

1 Ph.d. Student of Islamic Iran History, Tarbiat Modares University F-saboori55@yahoo.com

2 Professor of Art Research Faculty, Tarbiat Modares University

3 Professor of Culture and Ancient Languages Faculty, Human Sciences Research Institute

مقدمه

پس از ورود اعراب به ایران، زردشتیان که از سوی آنان اهل‌ذمه به حساب آمدند، توانستند با پرداخت جزیه هویت خود را حفظ کنند. در سده‌های نخست اسلامی گروهی از آنان به هند مهاجرت کردند که شاید نتوان زمان و مبدأ دقیق آن را تعیین کرد. این دسته از زردشتیان، در هند به پارسیان شهرت یافتند. آنان از طریق تداوم ارتباط با هم‌کیشان خود در ایران، توانستند هویت خود را در هند حفظ کنند. این دواقلیت هم‌کیش در طی ادوار مختلف، بسته به شرایط تاریخی و اجتماعی، به یکدیگر مدد رسانیدند.

شناخت تاریخ فرهنگی و اجتماعی زردشتیان مستلزم مطالعه‌ی دقیق منابع است. در این باره از میان نوشته‌های سفرنامه‌نویسان می‌توان اطلاعاتی ارزنده به دست آورد. در دوره‌ی قاجار، به علت شرایط بین‌المللی، تعداد سیاحان و مأمورانی که به ایران مسافرت کردند افزایش یافت. هریک از این مسافران، به فراخور علت و زمان مسافرت و مقام و موقعیت و کشور خود، درباره‌ی زردشتیان رویکردهای متفاوتی داشتند که در نوشته‌های آنان بازتاب یافته است. در دوره‌ی مزبور، این که یک سیاح در چه کشور یا فضای فکری و فرهنگی نشوونما یافته، یا نسبت به آثار همانندان خود در گذشته آگاهی داشته یا خیر، در دآوری‌های او در خصوص زردشتیان نقشی بسزا ایفا نموده است.

در این نوشتار، اهم آثار سیاحان و مأموران خارجی در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه هر کدام، حتی اگر اشاره‌ای اندک به زردشتیان داشته، ذکر شده است. گفتنی است کتاب‌های بسیاری، نظیر سفرنامه‌های چریکوف، ژاک دومورگان، کاساکوفسکی، رابینو و دیگران، مورد مطالعه قرار گرفت، اما مطلبی در خصوص موضوع مورد بحث در آن‌ها یافت نشد. به منظور تبیین مسئله، آثار بررسی شده با توجه به ملیت نویسندگان آنان طبقه‌بندی گردید.

پرسش اصلی این مقاله به قرار زیر است:

- رویکرد سیاحان کشورهای مختلف در باب زردشتیان دوره‌ی یاد شده چگونه بوده و چه علل و عوامل تعیین‌کننده‌ی در این رویکرد نقش داشته است؟
فرضیات این پژوهش عبارت‌اند:

۱. فضای فکری و فرهنگی حاکم بر کشورهای این سیاحان تعیین‌کننده‌ی نوع نگرش آنان به زردشتیان بوده است.

۲. علل سفر سیاحان به ایران، تعیین کننده‌ی نوع نگرش آنان به زردشتیان بوده است.

۳. نحوه‌ی تعامل آنان با زردشتیان تعیین کننده‌ی نگاه آنان به مسئله‌ی مورد نظر بوده است.

آثار این سفرنامه‌نویسان از تنوع برخوردار است و هریک به بخشی از مسئله توجه کرده‌اند. در این جا حتی الامکان به بررسی آرای آنان می‌پردازیم.

در این نوشتار به منظور شناخت عوامل تعیین کننده‌ی رویکردهای سیاحان به زردشتیان، از روش تبیینی - تعلیلی، و به منظور کشف آرای آنان، از روش تفسیری استفاده شده است.

پیشینه‌ی تحقیق

در مطالعات و تحقیقاتی که درباره‌ی زردشتیان به عمل آمده، گاه به فراخور حال اشاراتی به زردشتیان دوره‌ی قاجار شده است. برای نمونه، کسانی چون مری بویس، محمد جواد مشکور، جان ناس، هاشم رضی و غیره که در خصوص ادیان تحقیق کرده‌اند، اشاراتی به زردشتیان این دوره دارند. در برخی تحقیقات، فصل یا فصولی به این موضوع یا موضوعات پیرامونی آن اشاره دارد که در ذیل به ذکر برخی می‌پردازیم:

- تاریخ پهلوی و زردشتیان از جهانگیر اشیدری؛ کتاب مزبور، با وجود اشکالاتی که بر آن وارد است، یکی از معدود آثاری است که مستقلاً بخشی از تاریخ معاصر زردشتیان ایران را در بر دارد.
- تاریخ زردشتیان پس از ساسانیان و تاریخ زردشتیان، فرزنانگان زردشتی؛ هر دو از رشید شهمردان؛ که در کتاب نخست پیش‌تر به تاریخ زردشتیان در ایران پرداخته است و دومی تذکره‌ای است از فرزنانگان زردشتی که راجع به فعالیت‌های پارسیان هند برای ارتقای سطح زندگی زردشتیان در دوره‌ی مزبور مطالبی در بردارد.
- اسنادی از زردشتیان معاصر ایران از تورج امینی؛ این کتاب از آن جا که حاوی اسناد مربوط به زردشتیان در دوره‌ی معاصر است، اثری معتبر و در نوع خود منحصر به فرد به شمار می‌آید.
- زردشتیان، جزو سلسله کتاب‌های از ایران چه می‌دانم؟، نوشته‌ی کتابیون مزداپور؛ در شش فصل که به ویژه در فصل‌های سوم و چهارم کتاب مطالبی محققانه در خصوص زردشتیان دوره‌ی مزبور فراهم شده است.
- زردشتیان ایران پس از اسلام، تألیف کتابیون نمیرانیان؛ این کتاب علی‌رغم اشاراتی که به روابط

بین پارسیان هند و زردشتیان ایران دارد، غالباً، فقط به تاریخ زردشتیان ایران پرداخته است. - انجمن زردشتیان تهران، یک سده تلاش و خدمت، از فرامرز پور رستمی؛ این کتاب حاوی اطلاعات ارزنده‌ای در خصوص فعالیت‌های مدنی زردشتیان در دوره‌ی مشروطه و پس از آن است.

علاوه بر این آثار، مقاله‌هایی در نشریه‌های در دسترس وجود دارد. از آن جمله می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

۱. «فرهنگ و شخصیت ایرانیان در سفرنامه‌های خارجی»، تألیف حسین میرزایی و دیگران، فصل‌نامه‌ی تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره‌ی سوم، ۱۳۸۷.

۲. «تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه: مقایسه‌ی تطبیقی خانه در محله‌ی مسلمانان، زردشتیان و یهودیان کرمان»، غلام‌حسین معاریان و دیگران، فصل‌نامه‌ی تحقیقات فرهنگی، دوره‌ی سوم، شماره‌ی دوم، ۱۳۸۹.

۳. «تجارت‌خانه‌های زردشتیان در دوره‌ی قاجار»، تألیف جلیل نائیان و دیگران، فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های تاریخی، سال دوم، شماره‌ی چهارم، ۱۳۸۹.

۴. «مانکجی لیمجی و جامعه‌ی زردشتیان ایران عصر قاجار»، نوشته‌ی جلیل نائیان و دیگران، فصل‌نامه‌ی تاریخ‌نامه‌ی ایران بعد از اسلام، سال اول، شماره‌ی اول، ۱۳۸۹.

علاوه بر کتاب‌ها و مقاله‌های فارسی، برخی کتب و مقالات انگلیسی نیز حاوی مطالبی در خصوص زردشتیان این دوره هستند. اهم آن‌ها عبارت‌ند از:

1. Balsara, p.p(1981), *Highlights of Parsi History*, Bombay: Y.C.Z.A Educational & Charitable Fund.
2. Mirza, Dastur Dr. Hormazdyar (1999), *Outlines of Parsi History, Zoroastrian Religion & Ancient Iranian Art*, Bombay: The K.R. Cama Oriental Institute.
3. Moodi, Jivaji Jamshidji (2004), "A few events in the early history of the Parsis and their dates", The. K.R. Cama Oriental Institute, Mumbai.
4. Tavadia, Gc (2007), *Indu Iranian studies*, Foster press.
5. Boyce, M. (1970), "On the Calendar of the Zoroastrian Feasts", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 33.
6. Dhalla, M. (1938), *History of Zoroastrianism*, New York: Oxford University Press.
7. Karaka, D. F. (1884), *History of the Parsis: Including Their Manners, Customs, Religion, and Present Position*, 1, London: Macmillan and Co.

هرچند کتاب‌ها و مقاله‌های مزبور درخصوص زردشتیان این دوره مطالبی ارزنده دربردارند و غالباً از آثار سفرنامه‌نویسان بهره‌گرفته‌اند، اثر مستقلی که به رویکرد سفرنامه‌نویسان این دوره به زردشتیان ایران پرداخته باشد، پدید نیامده‌است.

۱. بررسی اجمالی اوضاع اجتماعی زردشتیان در دوره‌ی قاجار

پیش از ورود به بحث، به منظور مقایسه و دریافت صحت و سقم آرای سفرنامه‌نویسان درباره‌ی زردشتیان، در این‌جا به اجمال اوضاع اجتماعی زردشتیان این دوره از خلال متون تاریخی و اسناد دوره‌ی مزبور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی، درحالی‌که پارسیان درحال پیشرفت بودند، هم‌کیشان ایرانی آن‌ها که در اثر عوامل مختلف تعدادشان فرومی‌کاست، تحت فشار قرار داشتند. زندگی آنان دشوار بود و بدترین اوقات برای آنان زمان جنگ‌ها و کشمکش‌های محلی یا فاصله بین مرگ یک حاکم و به تخت نشستن حاکم دیگر محسوب می‌شد. آماري که کیوجی میرزا در کتاب خود ارائه کرده، گویای کاهش جمعیت زردشتیان در این دوره بر اثر وقایع وارد آمده به آنان است:

- در سده‌های ۷-۱۵ م، شواهدی برای تعیین جمعیت وجود ندارد.
- در طی سده‌های ۱۶-۱۷ م، ۵۰۰,۰۰۰ نفر.
- در سده‌ی ۱۸ م، ۴۸,۰۰۰ نفر.
- در سده‌ی ۱۹ م، ۱۲,۰۰۰ نفر.^۱

از خلال منابع تاریخی این دوره نمی‌توان تعداد زردشتیان ایران را به طور دقیق تعیین کرد. هرچند تقریباً اکثر قریب به اتفاق آنان در شهرهای یزد و کرمان می‌زیستند. هنگام فتح کرمان به دست آقامحمدخان، زردشتیان نیز که جزو ساکنان شهر بودند بسیار آسیب دیدند. ساروی در تاریخ محمدی در این باره چنین می‌نویسد: «گبران در آن داهیه از بیم مسلمانان تخم جهود کشتند».^۲ شاید این عبارت او بیان‌گر آن باشد که زردشتیان در این زمان به اندازه‌ای تحت فشار قرار گرفتند که خود را یهودی معرفی می‌کردند. عبدالرزاق دنبلی نیز در کتاب *مآثر السلطانیه*

1 Dastur Kayoji Mirza Hormazdyar(1987), *Outlines of Parsi History*, Bombay: The K.R. Cama Oriental Institute, p.224.

۲ محمد فتح‌الله بن محمدتقی ساروی (۱۳۷۱)، *تاریخ محمدی (احسن التواریخ)*، به اهتمام غلامرضا طباطبایی‌مجد، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۲۵۴.

هر چند مستقیماً از زردشتیان ذکر نمی‌کند، صدماتی را که پس از فتح کرمان بر مردم شهر، از جمله زردشتیان، وارد گردید، برمی‌شمارد.^۱ گاه نیز بر اثر جنگ‌ها و شورش‌ها قحطی رخ می‌داد و زردشتیان نیز همچون دیگر افراد جامعه دچار سختی می‌شدند. برای نمونه، در سال هشتم سلطنت فتحعلی‌شاه، به دلیل شورش محمدخان افغان، در کرمان قحطی رخ داد و زردشتیان نیز همچون دیگر ساکنان شهر از آن سخت آسیب دیدند.^۲ همچنین، در اواخر دوره‌ی فتحعلی‌شاه، به دلیل کشمکش بین شاه‌زادگان قاجار، در یزد قحطی شدیدی رخ داد که زردشتیان نیز در آن دچار عسرت گردیدند.^۳ علاوه بر این، هنگامی که قدرت محلی رسمیت‌یافته‌ای وجود نداشت، در یزد و کرمان گه‌گاه اوباش یا متعصبان با آن‌ها بدرفتاری می‌کردند. برای نمونه، پس از مرگ محمدشاه تا زمان استقرار ناصرالدین‌شاه در تهران، یزد دستخوش ناآرامی‌هایی شد که طی آن برخی فشارهای اجتماعی و اقتصادی بر زردشتیان نیز وارد آمد. لسان‌الملک سپهر در این باره می‌نویسد، یکی از سرکردگان اشعار در این دوره، به نام محمد، مبلغ ۳۰۰ تومان زر مسکوک از تاجری مجوس (=زردشتی) به زور اخذ و در بین جماعت اشعار تقسیم کرد.^۴

گاه حکام شرع و عرف به بهانه‌ی اسلام‌پذیری یکی از غیرمسلمانان، در امور آنان مداخله می‌کردند و موجبات آزار غیرمسلمانان، خاصه زردشتیان، را در این دوره فراهم می‌کردند. به‌منظور جلوگیری از این مسئله، حکومت در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه تصمیم گرفت رسیدگی به امور افراد جدیدالاسلام و نحوه‌ی ارتباط آنان با بستگان‌شان را به دارالخلافه و دیوان‌خانه‌ی بزرگ پادشاهی اختصاص دهد.^۵ گاه حتی برخی شورش‌ها باعث می‌شد غیرمسلمانان، خاصه زردشتیان، آزار ببینند یا به قتل برسند. اعتمادالسلطنه در کتاب *روزنامه‌ی خاطرات*، آن‌جا که به وقایع شوال سال ۱۳۱۱ ه‍.ق می‌پردازد، می‌نویسد: «می‌گویند در یزد علما را با گبرها و یهودی‌ها پیچیدگی کرده، شورش بر خاسته‌است». ^۶ او زمان پرداختن به وقایع ۱۱ ذی‌القعدة یادآوری می‌کند: «می‌گویند اهل یزد هم فتنه برانگیزانده‌اند. چند نفر از تجار معتبر گبر که در زیر

۱ عبدالرزاق دنبلی (۱۳۸۳)، *مآثر سلطانیه* (از روی نسخه‌ی موزه‌ی بریتانیا)، به کوشش فیروز منصوری، تهران: انتشارات اطلاعات، ص ۲۹.

۲ همان، صص ۱۰۳-۱۰۴.

۳ جهانگیرمیرزا (۱۳۸۴)، *تاریخ نو (شامل حوادث دوره‌ی قاجار از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ ه‍.ق)*، به سعی و اهتمام عباس اقبال، تهران: نشر علمی، صص ۱۴۸-۱۴۹.

۴ محمدتقی لسان‌الملک سپهر (۱۳۷۷)، *ناسخ‌التواریخ*، به اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران: انتشارات اساطیر، ص ۹۵۹.

۵ محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ص ۱۷۲۴.

۶ محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه (۱۳۴۵)، *روزنامه‌ی خاطرات*، با مقدمه و فهرس ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ص ۱۰۸۷.

حمایت انگلیس هستند کشته‌اند.^۱ حتی در آستانه‌ی پیروزی انقلاب مشروطه نیز گاه افرادی می‌توانستند با تحریک عوام دشمنی علیه افراد غیرمسلمان، به ویژه زردشتیان، را برانگیزند. مثلاً، ناظم الاسلام کرمانی در *تاریخ‌بیداری ایرانیان*، آن‌جا که به وقایع کرمان در سال ۱۳۲۳ هـ.ق اشاره دارد، می‌نویسد، فردی به‌نام شیخ شمشیری برینی ظاهر شد که گاهی از زردشتیان و هندوها بد می‌گفت و آن‌ها را کافر حربی می‌خواند. مالشان را حلال و خون‌شان را مباح می‌دانست. بر اثر تحریکات او عده‌زیادی از عوام دورش جمع شدند.^۲

علاوه بر متون تاریخی، برخی اسناد تاریخی نیز در شناخت جایگاه زردشتیان در این دوره به ما کمک می‌کنند. درباره‌ی لغو جزیه‌ی زردشتیان ایران و اقداماتی که در این خصوص صورت گرفت تا این‌که در نهایت این امر محقق شد، اسناد شماره‌ی ۱۳ تا ۱۸ کتاب امینی حاوی مطالبی بسیار ارزنده است که برخی زوایای ناشناخته‌ی مسئله را برای ما روشن می‌سازد. سند شماره‌ی ۱۳ نامه‌ای است احتمالاً به ظل‌السلطان از سوی انجمن اکابر پارسیان هند که از آن، این موارد مستفاد می‌گردد:

اولاً، مخاطب‌نامه که با لفظ «شهنشاه‌زاده» مورد خطاب قرار می‌گیرد، از رجال دولتی بوده که کم و بیش در جریان کوشش‌های پارسیان هند برای گرفتن فرمان لغو جزیه‌ی زردشتیان ایران نقش داشته است.

ثانیاً، فرستندگان‌نامه پیش‌تر عریضه‌ای به شاه نوشته بوده‌اند که در آن رفع هشت فقره ظلم از زردشتیان را خواستار شده بودند. نویسندگان نامه، ضمن سپاس‌گرایی از دولت ایران برای ممانعت از آن هفت فقره، نخست موقوف‌کردن اخذ جزیه را که مربوط به شخص شاه می‌شده است، طلب کرده‌اند.

ثالثاً، در این نامه استدلال شده، چون زردشتیان مالیات دیوانی می‌دهند، نباید جزیه از آنان گرفته شود، و در جای‌جای نامه از شواهد تاریخی و آموزه‌های اسلامی برای اثبات آن استفاده شده است.^۳ سوای پرداختن به صحت و وسقم این استدلال‌ها، به نظر می‌رسد نویسندگان نامه از طرح این ادله در صدد بودند با استفاده از آموزه‌های اسلامی، دولت و رجال دولتی ایران را به لغو جزیه‌ی زردشتیان ترغیب نمایند. در پایان نویسندگان از مخاطب‌نامه می‌خواهند برای

۱ همان، ص ۱۰۹۱.

۲ محمدعلی ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۶۱)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: انتشارات آگاه، ص ۳۱۰.

۳ تورج امینی (۱۳۸۰)، *اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران (۱۳۳۸-۱۲۵۸ ش)*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، صص ۵۰-۵۴.

گرفتن فرمان لغو جزیه‌ی زردشتیان نزد شاه وساطت کند.

سند شماره‌ی ۱۴ کتاب، نامه‌ای است از همان انجمن به میرزا سعیدخان، وزیر خارجه، که ضمن ذکر اهمیت و نقش وزرا در دربار، از او خواسته می‌شود همان‌گونه که عباس‌میرزا با وساطت میرزاعیسی‌قائم‌مقام جزیه‌ی ارامنه‌ی آذربایجان را بخشید، او نیز در دربار ناصرالدین‌شاه برای تحقق این امر درخصوص زردشتیان وساطت نماید.^۱

سند شماره‌ی ۱۵ که نامه‌ای است از مانکجی‌لیم‌جی‌هاتریا (نخستین فرستاده‌ی انجمن مذکور به ایران)، به دستور شهریار، پسر دستور نامدار، و ملارستم، پسر مهربان، نشان می‌دهد که مانکجی تا تاریخ نگارش نامه جزیه‌ی زردشتیان ایران را پرداخت می‌کرده است.^۲ تاریخ نگارش این نامه‌ها معلوم نیست.

سند شماره‌ی ۱۶، شامل دو نامه از مانکجی و انجمن اکابر صاحبان پارسی هندوستان است به رجال دولتی در تاریخ ۱۲۹۹ ه. ق. در این دو نامه به این مسئله اشاره شده که مانکجی صاحب از طرف انجمن مذکور با استفاده از وقایع انجمن به مدت ۲۲ سال جزیه‌ی زردشتیان ایران را به دولت می‌پرداخته است.^۳

اسناد شماره‌ی ۱۷ و ۱۸ دعوت‌نامه‌ای است که مانکجی برای دعوت زردشتیان به جشن شکرگزاری به مناسبت الغای جزیه نوشته است. در دعوت‌نامه، نخست مجدداً به این مسئله که جزیه مالیاتی اضافه بوده که در این زمان الغا گردیده، اشاره شده و مانکجی در هر دو دعوت‌نامه یاد کرده است در هفتم صفر ۱۲۹۹ ه. ق. به یمن این واقعه زردشتیان در جشن، مراسم دینی شکرگزاری به‌جای خواهند آورد.^۴

اجمالاً باید گفت، اسناد یافت‌شده، علی‌رغم ضعف نداشتن تاریخ نگارش در اغلب آن‌ها، به علت اعتباری که دارند، ما را بیش‌تر از دیگر منابع در فهم جزئیات وقایع مربوط به اخذ جزیه از زردشتیان ایران و الغای آن از سوی دولت ایران یاری می‌کنند. در اسناد مزبور انجمن اکابر پارسیان هند با ایجاد ارتباط با رجال دولت ایران و نوشتن عریضه به شاهنشاه ایران و بیان استدلال‌های مورد تأیید برای مسلمانان، درصدد گرفتن فرمان لغو جزیه برمی‌آیند و درنهایت موفق شدند زردشتیان ایران را در رسیدن به این هدف یاری نمایند. در این‌جا حتی‌الامکان مطالب

۱ همان، صص ۵۵-۵۷.

۲ همان، صص ۵۷-۵۸.

۳ همان، صص ۵۸-۶۰.

۴ امینی، همان، صص ۶۰-۶۲.

موجود در متون و اسناد تاریخی این دوره ذکر گردید تا با مقایسه‌ی آن‌ها با آرای سیاحان و مأمورانی که در ذیل آورده خواهد شد، صحت و سقم آرای مذکور امکان بررسی یابد.

۲. رویکرد مأموران و سفرنامه‌نویسان فرانسوی نسبت به زردشتیان

از مهم‌ترین سفرنامه‌نویسانی که در دوره‌ی مزبور به ایران آمدند، سفرنامه‌نویسان فرانسوی بودند. آنان که اغلب به علت مأموریت سیاسی، یا فعالیت مطالعاتی و یا تجاری وارد ایران می‌شدند، غالباً با رویکردی فرهنگی به مسائل مربوط به ایران، از جمله زردشتیان، می‌نگریستند. «کنت دو گوینو» که از سال ۱۸۵۵ تا سال ۱۸۵۸ میلادی در ایران حضور داشته است، می‌نویسد: زردشتیان مردمی خوش‌قلب‌اند؛ او سپس به ظهور پشوتن و ورود او از هند اشاره می‌کند و می‌گوید: زردشتیان بر این باورند که سپاه پشوتن اروپایی خواهند بود؛ پاره‌ای می‌گویند انگلیسی و عده‌ای می‌گویند روسی.^۱

در تحلیل این باورهای زردشتیان، می‌بایست زمان و شرایط بین‌المللی، همچنین اوضاع سیاسی ایران را که در آن روس و انگلیس نفوذ داشتند، در نظر گرفت. به علاوه، شاید بتوان باور به ظهور پشوتن از هند را به افزایش فعالیت‌های پارسیان در ایران نسبت داد.

«کنت ژولین دو روشسوار» که در زمان ناصرالدین شاه به ایران آمد، می‌نویسد، در زمان فتحعلی‌شاه، کرمانیانی که از کشتار آقامحمدخان رسته بودند، سختی‌های روزگار را تحمل کردند تا در جای خود استوار بمانند. این پادشاه می‌ترسید اگر کرمان بازسازی شود، کانون کینه و آشوب بازماندگان مقتولان گردد؛ به ویژه که بیش‌تر کرمانیان زردشتی بودند و ناخوشنودی از اسلام بر کینه‌شان به قاجار می‌افزود.^۲

در این‌جا نویسنده به خطا رفته است. زردشتیان در این دوره از لحاظ جمعیتی در کرمان اکثریت نداشته‌اند و نویسنده علی‌رغم سفر به کرمان آن را در نیافته است. او در جایی دیگر می‌نویسد: ارمنی‌ها، کلدانی‌ها، یهودی‌ها و زردشتی‌ها بخش درخور توجهی از مردم ایران‌اند و همه جا با مسلمان‌ها در صلح می‌زیند. در کرمان نیز دولت وصول مالیات را که کار بغرنجی به شمار می‌آید به زردشتی‌ها سپرده است.^۳ سخن نویسنده در این‌جا با ساده‌انگاری نسبت به

۱ ژوزف آرتور (کنت دو گوینو) (۱۳۶۷)، سه سال در آسیا (سفرنامه‌ی کنت دو گوینو ۱۸۵۵-۱۸۵۸)، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: انتشارات کتاب‌سرا، صص ۳۴۷-۳۴۹.

۲ کنت ژولین دو روشسوار (۱۳۷۸)، خاطرات سفر ایران، ترجمه‌ی مهران توکلی، تهران: نشر نی، صص ۳۲-۳۳.

۳ همان، صص ۹۹-۱۰۰.

اقلیت‌ها همراه است. وی علی‌رغم گفته‌ی پیشین خود، از سازش بین اقلیت‌ها و مسلمانان سخن به میان می‌آورد؛ و نسبت به بسیاری از درگیری‌های مذهبی توجهی نشان نمی‌دهد.^۱ او مأموریت‌های مالیاتی زردشتیان را مسئله‌ی مهمی دانسته، درحالی‌که گردآوری مالیات، به‌ویژه جزیه، توسط بزرگان هراقلیت در ایران متداول بوده است.^۲

«مادام دیولافوآ» که در زمان ناصرالدین‌شاه (سال ۱۸۸۱ م) به ایران آمد، می‌نویسد، در نقش رستم کاروانی از زردشتیان را دیده و از آنان تقاضای ملاقات کرده. رئیس خانواده ملبس به لباس معمولی ایرانی وصله‌دار بوده است. بعد از آن توضیح می‌دهد که مسلمانان با این وصله‌ی ناجور زردشتیان را تشخیص می‌دهند. دیولافوآ می‌گوید این‌اشخاص نجیب از او خواستند به خرابه‌های تخت‌جمشید بروند و او هم پذیرفته است. سپس افسوس می‌خورد که لهجه‌ی محلی یزدی آن‌ها را خوب نمی‌فهمیده و توسط یکی از تفنگچیان با آن‌ها صحبت می‌کرده است، اما تفنگچی با نظر حقارت به زردشتیان می‌نگریسته است. این‌گفته‌ها بیان‌گر شرایط اجتماعی- فرهنگی زردشتیان ایران در این دوره است. او به برخی تبعیض‌های اجتماعی اشاره می‌کند و تعداد زردشتیان یزد و حومه‌ی آن را ۸۰۰۰ نفر می‌نویسد و می‌گوید این جمعیت بنابر آیین قدیمی زردشت عمل می‌کنند و هم‌مذهبان هندوستانی‌شان نیز در تأسیس مدارس یاری‌شان می‌دهند،^۳ که احتمالاً منظور دیولافوآ، ارسال مانکجی لیم‌جی هاتریا به نمایندگی پارسیان هند به ایران و اقدامات او در تأسیس مدارس زردشتی در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه بوده است. به عقیده‌ی دیولافوآ، زردشتیان مردمانی، کارآمد و پاک هستند. به دلیل امانت و دیانت و صداقت در تجارت، نزد هم‌وطنان‌شان احترامی دارند. در نتیجه‌ی این صفات توانسته‌اند در جنوب شرقی ایران تجارت را به خود اختصاص دهند. وی می‌افزاید: «من مایل‌م از رسوم آنان آگاهی یابم اما این‌ها اطلاعات عمیق و کافی از مذهب خود ندارند».^۴ این گفته‌های دیولافوآ نشان‌دهنده‌ی نگرش مثبت وی به زردشتیان است، ضمن آن‌که از برخی کاستی‌های فرهنگی و ناآگاهی‌های آنان نسبت به دین‌شان نوشته است.

«دکتر فورویه» که در زمان ناصرالدین‌شاه (سال‌های ۱۸۸۹-۱۸۹۲ م) در ایران حضور

۱ امینی، همان، صص ۳۳۹-۳۸۵.

۲ فرامرز پوررستمی (۱۳۸۷)، *انجمن زرتشتیان تهران*، یک سده تلاش و خدمت، تهران: انتشارات فروهر، چ ۱، صص ۴۸-۵۳.

۳ مادام دیولافوآ (۱۳۶۱)، *سفرنامه‌ی مادام دیولافوآ (ایران و کلده)*، ترجمه‌ی فرهوشی (همایون سابق)، تهران: کتابفروشی خیام، ص ۳۹۹.

۴ همان، صص ۳۹۹-۴۰۰.

داشته، تنها یک‌جا در کتاب خود از زردشتیان سخن به میان می‌آورد. او درباره‌ی رسمی که از منظر خودش آن را برگرفته از فرهنگ زردشتی می‌داند، می‌نویسد، در تهران در نقاره‌خانه صبح و عصر یک عده مطرب و رقص طلوع و غروب را اعلام می‌کنند. سپس می‌گوید، شاید این یکی از آداب پرستندگان آفتاب باشد که از آیین زردشتی باقی مانده یا محتمل است اشعاری که این جماعت می‌خوانند و آلات طرب ایشان خیلی قدیمی و از نسلی به نسلی منتقل شده باشد.^۱ فوریه به اشتباه مهرپرستان را فرقه‌ای از زردشتیان می‌داند.

ملاحظه می‌شود غالب سیاحان فرانسوی ذکر شده، نگرشی فرهنگی و عمدتاً مثبت به زردشتیان داشته‌اند. علت آن را می‌توان فضای فکری و فرهنگی آن زمان فرانسه که در آن ملی‌گرایی و باستان‌گرایی ربحان داشته است، دانست.

۳. رویکرد مأموران و سفرنامه‌نویسان انگلیسی به زردشتیان

مأموران و سفرنامه‌نویسان انگلیسی این دوره نیز که غالباً به منظور انجام گرفتن مأموریت سیاسی به ایران می‌آمدند، به فراخور حال و بنا به تعاملاتی که با مردم ایران، از جمله زردشتیان، داشتند، بعضاً به آنان پرداخته‌اند.

«مری‌شیل» همسر سفیر انگلیس در ایران در زمان ناصرالدین شاه، می‌نویسد: اکثریت زردشتیان در یزد ساکن‌اند و در بهار به باغ سفارت انگلیس می‌آیند. وی دلیل این امر را این دانسته که آنان خود را در آن‌جا از تعرض مردم مصون می‌دیدند. سپس می‌گوید این مردم با پارسی‌های مقیم بمبئی ارتباط دارند و شاید به همین دلیل است که به معاشرت با انگلیسی‌ها رغبت بیشتری نشان می‌دهند.^۲ این رغبت زردشتیان ایران به انگلیسی‌ها ناشی از امید آنان به حمایت انگلیسی‌ها بوده که می‌توانسته به عنوان وزنه‌ای به منظور ممانعت از برخی تعدیات علیه زردشتیان عمل کند. همچنین، آزادی مذهبی پارسیان در هند باعث ایجاد نگرش مثبت زردشتیان ایران به انگلیسی‌ها بوده است. نویسنده اشاره‌ای به رابطه‌ی میان پارسیان بمبئی و زردشتیان ایران می‌کند اما در خصوص چندوچون و تأثیرات این رابطه سخن نمی‌گوید. انگلیسی‌ها به علت حسن ارتباطی که با پارسیان هند، داشتند به ارتقای سطح اقتصادی و فرهنگی پارسیان مدد رسانده بودند.

۱ ژوانس فوریه (۱۳۶۸)، سه سال در دربار ایران، خاطرات دکتر فوریه پزشک ویژه‌ی ناصرالدین شاه قاجار، ترجمه‌ی عباس اقبال آشتیانی، تهران: انتشارات دنیای کتاب، صص ۱۹۴-۱۹۵.

۲ مری‌شیل (۱۳۶۲)، خاطرات لیدی شیل (همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه)، ترجمه‌ی حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو، صص ۷۸-۸۰.

زردشتیان ایران از این مسئله آگاهی داشتند.^۱

«ادوارد براون» که در زمان ناصرالدین شاه (۱۸۸۷-۱۸۸۸ م) از ایران دیدن کرده است، می‌نویسد: زردشتی‌ها نسبت به انگلستان که در هندوستان مدافع تمام مذاهب و از آن جمله زردشتی‌ها است، نظر خوب دارند و متأسف هستند که چرا نفوذ خود را به کار نمی‌اندازند که زردشتی‌ها در ایران دچار آزار نشوند. براون از قول آنان می‌گوید: اگر انگلستان از ما حمایت کند، در موقع اغتشاش ما حامی خوبی خواهیم داشت. در صورتی که اکنون اگر اغتشاش بشود، جان و مال ما در معرض خطر است. براون می‌نویسد: پس از مراجعت او به انگلستان، دولت انگلستان یکی از زردشتی‌های یزد را به سمت نماینده‌ی سیاسی خود انتخاب نمود. زردشتی‌ها از این موضوع خیلی خوشحال شدند، زیرا می‌دانستند در اغتشاش‌ها خطری آن‌ها را تهدید نخواهد کرد.^۲

از این سخن برمی‌آید که اولاً، زردشتیان از حسن ارتباط میان پارسیان هند و انگلیسی‌ها آگاهی داشتند و خواهان حمایت انگلیسی‌ها بودند. ثانیاً، به علت تجربیات‌شان در گذشته نگران حفظ امنیت خود بودند. لذا، به دنبال یک حامی در خارج از مرزها بودند. با حضور انگلیسی‌ها در هند، پارسیان توانستند در سایه‌ی کوشش‌های فرهنگی و تجاری خود از رفاه نسبی برخوردار گردند.^۳ پارسیان هند توانستند با حمایت انگلیسی‌ها در عرصه‌های اقتصادی، به‌ویژه در تجارت، رشدی فوق‌العاده داشته باشند.^۴ می‌توان نگرش مثبت زردشتیان ایران نسبت به انگلیسی‌ها را از این زاویه مورد توجه قرارداد.

براون می‌گوید: زردشتی‌ها تقریباً تمام کتاب‌های قدیمی‌شان را که در امان مانده است، نزد پارسی‌های هندوستان فرستاده‌اند.^۵ همان‌گونه که از نامه‌های متبادله بین زردشتیان ایران و پارسیان هند پیداست.^۶ هدف ارسال‌کنندگان کتاب‌های مذهبی در ابتدا پاسخ‌گویی به نیازهای دینی پارسیان

1 Kayoji Mirza(1999), Dastur Dr. Hormazdyar (1999), "Outlines of Parsi history, Zoroastrian Religion & ancient Iranian art", Bombay: The K.R. Cama Oriental Institute, pp. 96-100; Zenobia E. Shroff E(2001), *The Contribution of Parsis to education in Bombay city (1820-1920)*, Bombay: Himalaya Publishing House, pp.14-36.

۲ براون ادوارد (۱۳۵۷)، یک‌سال در میان ایرانیان، ترجمه‌ی ذبیح‌الله منصور، تهران: کانون معرفت، صص ۳۴۹-۳۵۰.

3 Balsare(1963), *High lights of Parsi History*, Bombay:V.Varadarajan, p.86.

4 Eckehard Kulke (1974), *The Parsees in India*, New Delhi: Vikas publishing house Pvt Ltd, pp. 120-123.

۵ براون، همان، ص ۳۵۲.

6 Edvard Bamanji Nusserwanji Dhabhar (1999), *The Persian Revayats of Hormazdyar Faramarz and others*, Bombay: The K.R. Cama Oriental Institute, pp. 563-590.

هند و تعلیم آنان بوده است، تا حفظ این کتاب‌ها. اما به علت وقایع ناگواری که در طول زمان، از دوره صفوی تا زمان براون برای زردشتیان رخ داد، در این دوره چنین می‌پنداشتند که در گذشته نیز زردشتیان ایران صرفاً به منظور جلوگیری از نابودی کتاب‌های مذهبی، آن‌ها را به هند می‌فرستادند. شاید بتوان علت پیدایش چنین نظراتی در نزد زردشتیان را وقایعی دانست نظیر آنچه در زمان شاه‌عباس اول رخ داد، که در طی آن، شاه زردشتیان را برای دادن جاماسب‌نامه و دیگر کتاب‌های مذهبی تحت فشار گذاشت. به دنبال آن نیز تعدادی از ایشان کشته شدند و برخی از کتاب‌های مذهبی آنان از میان رفت.^۱ این پندار زردشتیان ایران محصول وقایع تاریخی‌ای است که از زمان صفویان تا این زمان بر آن‌ها تأثیر عمیق نهاده و ارتباط چندانی با علت واقعی ارسال کتاب‌ها در گذشته به هند نداشته است.

براون در کتاب دیگر خود به نام *انقلاب مشروطیت ایران*، به قتل «ارباب فریدون» زردشتی صراف در زمان محمدعلی‌شاه اشاره می‌کند و این که قاتلان او به علت حمایت‌های شاه از ایشان مجازات نشدند.^۲ اما پس از پیروزی مجدد مشروطه‌خواهان قاتلان فریدون زردشتی قصاص گردیدند.^۳

«جورج ناتانیل کرزن»^۴ در سال ۱۸۸۹ میلادی به ایران آمد. او در کتاب خود می‌نویسد: در نظر انگلیسی‌ها شاید این طایفه از هر چیزی بیشتر در یزد مورد توجه باشند. آن‌ها یزد و حومه‌ی آن را از برکات صنعت و کار خستگی‌ناپذیر و فضایل اخلاقی خویش بهره‌مند ساخته‌اند. در حالی که مورد حمایت و عنایتی نمی‌باشند، در زندگانی روزانه و امور تجارتي دچار محرومیت‌اند. آنان با وجود ثروت و سرافرازی همواره دچار صدمه شده‌اند و هنوز هم از خطر دور نیستند. سپس به قتل یکی از زردشتی‌های نامی و عدم مجازات جانی‌ها اشاره می‌کند. علاوه بر این، زردشتیان مجبورند جامه‌های کم‌رنگ بپوشند، در شهر حق اسب‌سواری یا دکان‌داری، اجازه‌ی تصاحب خانه‌های عالی ندارند و هنگامی که استملاک می‌کنند، ناچارند بیشتر از مسلمان‌ها بها بپردازند و به پنهان داشتن وسایل کار و زندگی خویش مجبورند. از بیم اقدامات خصومت‌آمیز، کارهای تجارتي خود را مکث می‌دارند و در حین عبور از کوچه و خیابان هیچ‌گاه از امکان

۱ ژان شاردن (۱۳۴۹)، *سیاحت‌نامه‌ی شاردن*، ترجمه‌ی محمد عباسی، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ ۲، صص ۱۳۸-۱۳۹.

2 Dhabhar, Ibid, pp. 563-590.

۳ احمدبشیری (ویراستار) (۱۳۶۳)، *کتاب نارنجی (گزارش‌های سیاسی وزارت امور خارجه‌ی روسیه‌ی تزاری درباره‌ی انقلاب مشروطه ایران)*، ترجمه‌ی حسین قاسمیان، ج ۱، تهران، انتشارات نور، صص ۲۱۲-۲۱۳.

4 Gorge Nataniel Kerzun.

حمله و بی‌حرمتی در امان نیستند. در سال‌های اخیر هم‌کیشان ایشان از بمبئی انجمنی برای حمایت از وضع و منافع آن‌ها ترتیب داده‌اند.^۱

در این‌جا کرزن بیش‌تر به بیان برخی مطالب کلی درباره‌ی زردشتیان می‌پردازد که شاید ناشی از ذهنیت اروپایی او باشد. هر چند وجود بسیاری محرومیت‌های اجتماعی اقلیت‌ها از جمله زردشتیان از سوی دیگر سفرنامه‌ها نیز مورد تأیید است با این‌حال پرسش این‌جاست که اگر زردشتیان حتی حق دکان‌داری در این دوره نداشته‌اند، چگونه توانسته‌اند در چنین جامعه‌ای به ثروت دست یابند. مسئله‌ای که خود کرزن نیز بدان اشاره می‌کند. از سوی دیگر، زردشتیان در یزد در این دوره چندان هم بی‌حامي نبودند چرا که همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، بنا به قول ادوارد براون، انگلیسی‌ها به منظور حمایت از زردشتیان نماینده‌ای سیاسی از سوی خود در یزد قرار داده بودند تا در مواقع لزوم از آن‌ها حمایت کند و خود کرزن نیز در ابتدای نقل قولی که از او در این‌جا آورده‌ام، به توجهی خاص انگلیسی‌ها به زردشتیان در یزد اشاره کرده است. در این نقل قول، کرزن نام زردشتی مقتول را ذکر نمی‌کند و نیز از نحوه یا هدف یاری پارسیان هند به زردشتیان ایران سخنی به میان نمی‌آورد. در نهایت، شاید بتوان گفت کرزن در بیان کلی مسائل و مشکلات زردشتیان تحت تأثیر زردشتیانی بوده است که با او مراد داشته‌اند.

«سرپرسی سایکس» در سال ۱۸۹۳ میلادی و در زمان ناصرالدین شاه به ایران آمد. او می‌نویسد: چون یزد یکی از نقاط دوردست است و نزدیک هیچ یک از سرحدات ایران واقع نشده، جنگ و جدالی در آن‌جا اتفاق نیفتاده. یزد و کرمان هر دو در گذشته پناه‌گاه پیروان زردشتیان بوده است. مارکوپولو در سده‌یسیزدهم و ادریک در سده‌ی چهاردهم و جوزافا-باربارو در سده‌ی پانزدهم از این شهر عبور نموده‌اند و سومی شرح مبسوطی راجع به منسوجات ابریشمی یزد در سفرنامه‌ی خود به رشته‌ی تحریر کشیده است.^۲ سایکس به درستی به دوری یزد و کرمان که می‌توانسته در طول زمان به عنوان پناه‌گاه و مأمنی برای زردشتیان محسوب شود، اشاره می‌کند. گفته‌های او مبین آن است که سایکس سفرنامه‌های پیشین را درباره‌ی زردشتیان مورد مذاقه قرار داده است. او در جایی دیگر می‌نویسد:

۱ جرج ناتانل کرزن (۱۳۸۰) / ایران و قضیه‌ی ایران، ترجمه‌ی غلام‌علی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۲۹۳-۲۹۴.

۲ سرپرسی سایکس (۱۳۶۳)، سفرنامه‌ی ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران، ترجمه‌ی حسین سعادت نوری، اَبی-جا: چاپخانه‌ی آسمان، صص ۴۱۴-۴۱۵.

«این روزها مردم یزد به قدری تغییر روش داده‌اند که در ورود اینجانب سه نفر از محترمین روحانیون محل از من دیدن نمودند. اوضاع یزد از هر جهت رو به ترقی و پیشرفت است و تجار یزدی که از بمبئی مراجعت کرده‌اند ساختمان‌ها و باغات بهتری به اسلوب جدید بنا کرده و به آبادی شهر کمک شایانی نموده‌اند».^۱ سایکس به رشد اجتماعی و اقتصادی یزد که به دنبال ارتباطات تجاری زردشتیان یزد با پارسیان هند صورت گرفته است اشاره می‌کند. علاوه بر این که تجار زردشتی یزد به واسطه‌ی ارتباطات تجاری با پارسیان هند از رفاه بیشتری نسبت به دیگران برخوردار شده بوده‌اند، به لحاظ ایجاد برخی ابنیه در یزد نیز تحت تأثیر هم‌کیشان خود در بمبئی قرار گرفته بودند. نکته‌ی ارزنده‌ای که تنها، سایکس به آن اشاره کرده است. ملاحظه می‌شود مأموران و سیاحان انگلیسی مذکور نیز نگرشی مثبت به زردشتیان داشته‌اند. شاید بتوان این نگرش را ناشی از روابط حسنه‌ی میان انگلیسی‌ها و پارسیان در هند دانست. از سوی دیگر، انگلیسی‌ها در این دوره با توجه به نفوذ خود در ایران، با احساس هم‌دلی نسبت به زردشتیان در صدد حمایت از آنان برمی‌آمدند.

۴. رویکرد مأموران و سفرنامه‌نویسان آمریکایی نسبت به زردشتیان

سفرنامه‌نویسان آمریکایی که عمدتاً برای به انجام رساندن مطالعات و تحقیقات تاریخی و جمعیت‌شناسی به ایران می‌آمدند، غالباً با رویکردی علمی به مسئله می‌نگریستند. آنان از سر کنجکاوی با مردم ایران، از جمله زردشتیان، ارتباط برقرار می‌کردند تا از باورها و آداب دینی و اجتماعی آنان آگاهی یابند.

«جان ویشارد آمریکایی» که به مدت ۲۰ سال از تاریخ ۱۸۹۱ تا ۱۹۱۰ میلادی از زمان ناصرالدین شاه در ایران مشغول طبابت بود است، در کتاب خود درباره‌ی زردشتیان ایران می‌نویسد: مسلمانان نسبت به آنان چندان نفرتی نداشتند. علیه آنان، مخصوصاً در یزد و برخی نقاط هم‌جوار، درگیری‌هایی نیز به وجود آمده اما مبنای مذهبی نداشته، بلکه از جانب گروه‌های مجهول‌الاهویه‌ای چپاول و غارت شده‌اند. سپس می‌گوید زردشتیان در تهران، اصفهان، کاشان، یزد، کرمان و سایر نقاط زندگی می‌کنند و دوست ندارند آتش‌پرست نامیده شوند.^۲ نویسنده از تعداد زردشتیان ذکری به میان نمی‌آورد. همچنین نسبت به برخی ریشه‌های

۱ همان، صص ۴۱۷-۴۱۸.

۲ جان ویشارد (۱۳۶۳)، بیست سال در ایران، ترجمه‌ی علی پیرنیا، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات نوین، ص ۱۸۱.

اختلافات مذهبی میان مسلمانان و زردشتیان غفلت ورزیده است. او در همان‌جا به آشپز بودن تعداد کمی از زردشتیان، اشتغال به کسب و تجارت اکثرشان، تبحر و اشتغال تعدادی به باغبانی و نیز عدم کشیدن قلیان و چیق اشاره می‌کند.^۱

بر اساس نامه‌ای که بهرام پسر رستم، یکی از شاگردان مانکجی، به انجمن زردشتیان یزد نوشته، تا پیش از آمدن مانکجی کشیدن چیق و قلیان در میان زردشتیان رواج داشت و مانکجی زردشتیان ایران را از این کار نهی کرد.^۲ ویشارد در ادامه برخی صفات زردشتیان را این‌چنین برمی‌شمارد: مردمی نیک‌اندیش، راست‌گوترین قوم از مردم ایران باستان، آزاداندیش‌ترین انسان‌ها در آسیا.^۳ این عبارات بیان‌گر نگرش مثبت او به زردشتیان است. او در ادامه از برخی حمایت‌های پارسیان هند از زردشتیان ایران از طریق انجمن پارسیان بمبئی در تهران یاد می‌کند که برای بهبود وضع زردشتیان ایران فعالیت می‌کند و چون تابع حکومت انگلستان است همه نوع حمایت زردشتیان از عهده‌ی آنان ساخته است.^۴

«پرفسور جکسون» که در سال ۱۹۰۳ میلادی در زمان مظفرالدین شاه از ایران بازدید کرد، می‌نویسد: تقریباً بلافاصله بعد از رسیدن به یزد در جست‌وجوی منزل کلاتر دینیار بهرام، رئیس جامعه‌ی زردشتیان شهر، که تعدادشان در شهر و حومه بین ۸۰۰۰ تا ۸۵۰۰ نفر است، برآمده. او از تعداد جمعیت زردشتیان یزد و اعضای انجمن زردشتیان آن‌جا سخن به میان می‌آورد. همچنین، به رفتن دستور نامدار به هندوستان و انجام گرفتن وظایف او توسط تیرانداز که دیگر منابع کم‌تر بدان پرداخته‌اند، اشاره می‌کند.^۵ او درباره‌ی نسخ متون زردشتی می‌نویسد، این‌ها تمام دست‌نویس‌ها و نسخی بودند که در آن موقع وجود داشتند، و مطلعین گفتند که همه‌ی کتاب‌های با اهمیت خود را برای آن که سالم بماند، یا برای استفاده، به هند فرستاده‌اند. اعضای انجمن، گم‌شدن و فقدان متون را بیش‌تر ناشی از تعقیب بعد از غلبه‌ی اسلام می‌دانسته‌اند.^۶ همچنین او درباره‌ی وضع عمومی زردشتیان یزد در این دوره می‌نویسد: بیش‌تر زردشتیانی که در بیرون شهر، خاصه در قصبه‌ی تفت زندگی می‌کردند، به باغبانی و زراعت، و آن دسته از زردشتیان

۱ همان، ص ۱۸۱.

۲ رشید شهمردان (۱۳۶۳)، *تاریخ زردشتیان، فرزندان زردشتی*، تهران: انتشارات فروهر، ص ۳۹۱.

۳ ویشارد، همان، ص ۱۸۲.

۴ همان، ص ۱۸۲.

۵ آبراهام والتاین ویلیامز جکسون (۱۳۵۲)، *سفرنامه‌ی جکسون*، ترجمه‌ی منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات خوارزمی، صص ۴۰۷-۴۰۹.

۶ همان، صص ۴۱۰-۴۱۱.

که در شهر ساکن بودند، به تجارت اشتغال داشتند. ولی تا حدود ۵۰ سال پیش امتیاز کسب و کار بدان‌ها داده نشده بوده، و آنان حتی در زمان نویسنده محدودیت‌هایی داشته‌اند. مثلاً اجازه نداشتند در بازارها اغذیه بفروشند، زیرا مسلمانان آن‌ها را کافر و در نتیجه نجس می‌دانستند.^۱ او در همان‌جا به فشارهای ناشی از جزیه و دیگر مزاحمت‌های اجتماعی علیه زردشتیان، نظیر محدودیت در خانه‌سازی، تعیین نوع و رنگ پوشاک، سواره تردد کردن، چتر به دست گرفتن، عینک زدن و غیره، اشاره می‌کند و از صدور فرمان لغو جزیه توسط ناصرالدین شاه در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۸۸۲ میلادی به نیکی یاد می‌کند. سپس در جایی دیگر می‌نویسد: در سال ۱۸۹۸ میلادی مظفرالدین شاه بر آن شد با صدور فرمانی وضع زردشتیان را بهتر سازد. این فرمان، با آن‌که به طور کامل رعایت نشد، از لحاظ روحی به بهبود وضع زردشتیان کمک کرد. وجود اروپاییان هم تأثیر مفیدی داشت و به بهبود اوضاع کمک کرد. اما مهم‌تر از همه این‌ها اقدامات انجمن رفاه زردشتیان ایران در بمبئی بود که صندوق اعانه‌ی آن زردشتیان را یاری کرد و پس از آن تعداد آنان اضافه شد.^۲ جکسون به درستی افزایش تعداد زردشتیان ایران در زمان خود را ناشی از چهار عامل به قرار زیر می‌داند:

۱. توجه‌ی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه

۲. برخی تمایلات اجتماعی در ایران برای کاهش میزان تعصبات

۳. وجود اروپاییان

۴. اقدامات سودمند اجتماعی پارسیان هند در ایران

همچنین، از برخی اقدامات تعلیمی پارسیان در ایران چنین یاد می‌کند که تعلیم و تربیت جوان زردشتی، در مقایسه با آنچه باید باشد، بسیار ناچیز است. تا نیم سده‌ی پیش وضع تعلیم و تربیت زردشتیان از بقیه‌ی ایرانیان به مراتب بدتر بود، زیرا یا مدرسه نداشتند، یا اجازه‌ی تأسیس مدرسه به آن‌ها داده نمی‌شد. در سال ۱۸۵۷ میلادی مبلغی از صندوق انجمن رفاه زردشتیان به تأسیس و مراقبت از مدارس پارسی در ناحیه‌ی یزد و کرمان اختصاص یافت. عامل آن کوشش‌های ترقی‌خواهانه‌ی پارسیان هند بود.^۳ جکسون در نهایت خصوصیات زردشتیان ایران را چنین برمی‌شمارد:

۱ همان، صص ۴۲۳-۴۲۴.

۲ همان، ص ۴۲۵.

۳ جکسون، همان، ص ۴۲۳.

«از اختصاصات زردشتیان یزد همین حس صرفه‌جویی و عقل معاش همراه با تبعیت مصرانه از کیش نیاکان می‌باشد. بر روی هم اثری که از آنان در ذهن من باقی ماند، با توجه به مقتضیات و شرایط زندگی آن‌ها در ایران در مقیاس با آزادی و محیط مساعد زندگی همکیشان آن‌ها در هند، بسیار خوب و مطلوب بود. بسیار چیزها هست که زردشتیان ایران می‌توانند از پارسیان هند در زمینه‌های مختلف مادی و معنوی بیاموزند، ولی در عوض حتی در زمینه‌ی آداب و مناسک دینی یا کتب قدیمی مربوط به دین مشترک‌شان، چیزی ندارند که بدانها بدهند.»^۱

جکسون بیشتر به شرایط اجتماعی زردشتیان در زمان خود توجه می‌کند. متأسفانه او در این‌جا از شرح کوشش‌های زردشتیان در گذشته (نظیر پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی پارسیان هند، تعلیم و تربیت آنان در طول زمان و اعزام برخی دستوران و آموزگاران زردشتی از ایران به هند) غفلت می‌ورزد.^۲ کوشش‌هایی که موجب شد پارسیان هند بتوانند در طول زمان هویت دینی و فرهنگی خود را حفظ نمایند و در این دوره با اقدامات فرهنگی و اجتماعی خود در ایران درصدد جبران آن برآیند.

مأموران و سیاحان آمریکایی نسبت به دیگران دیرتر به ایران آمدند، اما آنان نیز با نگرشی مثبت نسبت به زردشتیان سخن گفته‌اند و گفته‌های آنان از عمق بیشتری برخوردار بوده است. شاید بتوان این نگرش را در مطالعه و آگاهی آنان نسبت به اوضاع زردشتیان ایران دانست.

۵. رویکرد مأموران و سفرنامه‌نویسان دیگر کشورها به زردشتیان

علاوه بر سفرنامه‌نویسان مذکور، برخی سیاحان از دیگر کشورها در این دوره به ایران آمدند که به علت قلت تعدادشان ذیل یک عنوان قرار داده شدند. آنان نیز غالباً با رویکردی مثبت به زردشتیان این دوره پرداخته‌اند.

«پولاک»، که در زمان ناصرالدین شاه (۱۸۵۵-۱۸۸۲ م.) در ایران بوده، می‌نویسد: زردشتی‌ها به تعداد کم در یزد و کرمان سکنی دارند. اگر فرمان آزادی از حضرت علی در دست نداشتند،

۱ همان، ص ۴۶۶.

2 Kamekar, Mani, Dhunjisha, Soonu (2002), "From the Iranian Plateau to the Shores of Gujarat", Mumbai: The K.R. Cama Oriental Institute", pp. 144-148.

ناپود شده بودند. پارسیان هند هر سال برای زردشتیان ایران پول می‌فرستند تا باج لازم را بپردازند، زیرا آنان علاقمندند که هم‌کیشان‌شان در سرزمین مادری بمانند. همچنین، می‌نویسد: نماینده‌ای از طرف پارسیان به تهران گسیل شد که مالیات زردشتی‌های ایران از هندوستان پرداخته شود و مدرسه‌ای برای تربیت کودکان‌شان تأسیس گردد. اما دولت با هر دو این‌ها مخالفت کرد.^۱ به نظر می‌رسد پولاک در این باره اطلاع درستی نداشته است؛ چرا که در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه با کوشش‌های مانکجی، هم مؤسسه‌ای برای زردشتیان ایجاد شد و هم تخفیف‌های مالیاتی داده شد، تا در نهایت با حمایت انگلیسی‌ها و پارسیان هند جزیه‌ی زردشتیان ایران ملغی گردید.^۲

«مادام کارلاسرنا‌ی ایتالیایی» که در زمان ناصرالدین شاه (۱۸۷۷-۱۸۷۸ م.) در ایران بوده است، درباره‌ی زردشتیان می‌نویسد: تعدادشان در حدود ۷۰۰۰ یا ۸۰۰۰ نفر است. گاهی مورد بدرفتاری واقع می‌شوند. لذا، تعداد زیادی از آنان به هند مهاجرت می‌نمایند و در آن‌جا از سوی بازرگانان ثروتمند پارسی حمایت می‌شوند. بیش‌تر آنان ساکن یزدند. آنان هم به اندازه‌ی بعضی از مسلمانان، خرافاتی هستند.^۳ در این گفته‌ها می‌توان ذهنیت اروپایی نویسنده را یافت. علی‌رغم اطلاعات نسبتاً صحیحی که ارائه می‌کند، بیش‌تر راجع به گورستان گبرها مطالبی اظهار نموده که مغایر با باورهای زردشتیان است. او می‌گوید از گورستان گبرها دیدن نموده است. آن‌جا را این‌گونه توصیف می‌کند: «هنگام دور شدن از محل خرابه‌های ری، میان بلندی‌های مجاور، دیواری را دیدیم که بر دور محوطه گودی کشیده بودند و در ورودی نداشت... مرده‌برها از طریق نردبان از دیوار بالا می‌روند و جنازه‌ها را با لباس، در این آرامگاه ابدی رها می‌کنند».^۴ علاوه بر غم‌انگیز بودن مکان، متعفن بودن آن‌جا و باقی‌بودن استخوان‌های ره‌اشده‌ی مردگانی که توسط پرندگان شکاری خورده شده‌اند، به «رسمی عجیب» اشاره می‌کند. این که مردم دسته‌جمعی با خود غذا می‌آورند و در پای برج مردگان می‌خورند. نویسنده اظهار می‌کند، وقتی برای صرف نهار دعوت شده، در آن محیط نتوانسته است غذا بخورد.^۵

۱ یاکوب ادوارد پولاک (۱۳۶۱)، *سفرنامه‌ی پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه‌ی کیکاووس جهان‌داری، تهران: انتشارات خوارزمی، صص ۳۱-۳۲.

۲ امینی، همان، صص ۵۱-۶۲.

۳ کارل سرنا (۱۳۶۲) *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران (سفرنامه‌ی کارلاسرنا)*، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات زوآر، صص ۲۰۹-۲۱۱.

۴ سرنا، همان، ص ۲۰۸.

۵ سرنا، همان، صص ۲۰۸-۲۰۹.

اولاً، بنا بر آداب تدفین، زردشتیان پس از خورده شدن مردگان‌شان توسط پرندگان، استخوان‌ها را در دخمه قرار می‌دادند.^۱

ثانیاً، نویسنده در خود متن اظهار کرده که گرداگرد گورستان دیواری قرار داشته و مرده‌برها از طریق نرده‌بان از دیوار گذشته و مردگان را در آن جا قرار می‌دادند. با این توصیف، امکان ورود به گودال و صرف غذا بر روی بقایای استخوان‌ها چگونه امکان‌پذیر بوده‌است؟ ثالثاً، بر طبق باورهای زردشتی، جز مرده‌برها کس دیگری حق ورود به برج‌خاموشان را نداشته‌است.^۲

رابعاً، گستردن سفره‌ی طعام بر استخوان‌های مردگان از سوی ایرانیان، اعم از زردشتی و غیرزردشتی، بعید به نظر می‌رسد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سیاحان دیگر کشورها نیز نگرشی مثبت نسبت به زردشتیان داشته، آگاهی و اطلاعاتی که درباره‌ی آنان به ما می‌دهند، غالباً نزدیک به حقیقت است. به استثنای سرنا و پاره‌ای مطالب او راجع به گورستان گبرها. شایان ذکر است، علی‌رغم تعدد مأموران و سیاحان روس در ایران در این دوره، هیچ‌کدام از آن‌ها به زردشتیان و مسائل مربوط به آنان توجهی نکرده‌اند.

نتیجه‌گیری

ملاحظه می‌گردد غالب سیاحان یادشده، هر یک به علتی رویکردی مثبت نسبت به زردشتیان ایران داشته‌اند. این نگرش، عمدتاً ناشی از پیش‌فرض‌های آنان بوده است. در عصر روشن‌گری اروپا و در فضای فکری و فرهنگی آن زمان، گذشته‌ی باستانی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. لذا، سیاحان مزبور غالباً به پیروان آیین زردشت نگرشی مثبت داشتند.

جنگ‌های صلیبی و درگیری با عثمانی‌ها پیش از این، موجب شده بود اروپاییان به اقلیت‌های مذهبی مثل زردشتیان به چشم افرادی تحت ظلم در جوامع اسلامی بنگرند. نباید از نظر دور داشت که اکثر این سیاحان مسیحی بودند که هم‌کیشان آنان نیز در ایران به عنوان یک اقلیت با محرومیت‌هایی مواجه بودند. لذا، آنان با دیگر اقلیت‌ها در ایران از جمله زردشتیان هم‌دلی

۱ جان بی ناس (۱۳۷۵)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه‌ی علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۴۸۲.

2 Bharucha, Edvard Sheriarji Dadabhai (1928), *Zoroastrian Religion and Customs*, Bombay: D.B. Taraporevala Sons & Co, pp.179-180.

داشتند و این، یکی دیگر از علل نگرش مثبت آنان به زردشتیان بوده است. همچنین، اغلب اروپاییانی که به هند آمدوشد می‌کرده‌اند، به ویژه انگلیسی‌ها، رویکردی مثبت به پارسیان هند داشته‌اند. چرا که این اقلیت فعال در هند توانسته بود در سایه‌ی همکاری‌های تجاری با انگلیسی‌ها از رفاه نسبی برخوردار گردد و در اذهان اروپاییان تأثیری خاص برجای بگذارد. پارسیان هند از انگلیسی‌ها به کرات درخواست می‌کردند تا از هم‌کیشان‌شان در ایران حمایت کنند و خود نیز در ایران به منظور تأمین منافع زردشتیان دست به اقدام می‌زدند. این نگرش مثبت به پارسیان هند از سوی بسیاری از سیاحان درباره‌ی زردشتیان ایران نیز مشاهده می‌شود. در واقع، سیاحان این دوره نوعی این‌همانی میان پارسیان هند و زردشتیان ایران احساس می‌کردند و آن را در آثار خود منعکس می‌نمودند.

در نهایت باید گفت، سفرنامه‌نویسان فرانسوی بیشتر با رویکردی فرهنگی به زردشتیان ایران پرداخته‌اند. رویکرد مثبت سیاحان فرانسوی بیشتر ناشی از فضای فکری و فرهنگی فرانسه‌ی آن زمان بوده است.

این درحالی است که سیاحان انگلیسی به علت موقعیت خاص‌شان در ایران و هند تعامل بیشتری با زردشتیان داشتند. بعضی از گفته‌های آنان در واقع بیان خواست‌های اجتماعی زردشتیان ایران محسوب می‌شود. در حقیقت، رویکرد مثبت سیاحان انگلیسی را بیشتر می‌توان ناشی از تعامل نزدیک آنان با پارسیان هند و زردشتیان ایران دانست. سفرنامه‌نویسان آمریکایی نیز که غالباً رویکردی مثبت به زردشتیان داشته‌اند، از آن‌جا که در این دوره برای انجام گرفتن مطالعات تاریخی به ایران آمده بودند، با نگاهی مردم‌شناسانه به زردشتیان ایران و مسائل مربوط به آنان پرداخته‌اند. سفرنامه‌نویسان دیگر کشورها نیز رویکردی مثبت به زردشتیان داشته‌اند. آنان بیشتر تحت تأثیر مطالعات خود در گذشته و آگاهی‌هایی که در اثر تعامل با زردشتیان این دوره کسب کرده بودند، قرار داشته‌اند. این در حالی است که هیچ‌یک از سفرنامه‌نویسان روسی به زردشتیان این دوره نپرداخته‌اند. شاید بتوان علت آن را در حوزه‌ی نفوذ روسیه - شمال ایران - که زردشتیان در آن حضور نداشته‌اند، باز جست.

منابع و مأخذ

الف. به زبان فارسی

- اعتمادالسلطنه، محمد حسن‌خان (۱۳۴۵)، *روزنامه‌ی خاطرات*، با مقدمه و فهرس ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ---- (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.
- امینی، تورج (۱۳۸۰)، *اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران (۱۳۳۸-۱۲۵۱ ش)*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- براون، ادوارد (۱۳۵۷)، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه‌ی ذبیح‌الله منصوری، تهران: کانون معرفت.
- ---- (۱۳۷۶)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه‌ی مه‌ری قزوینی، تهران: انتشارات کویر، چ ۱.
- بشیری، احمد (ویراستار) (۱۳۶۳)، *کتاب نازنجی (گزارش‌های سیاسی وزارت امور خارجه‌ی روسیه‌ی تزاری در باره‌ی انقلاب مشروطه‌ی ایران)*، ترجمه‌ی حسین قاسمیان، ج ۱، تهران: نور.
- پوررستمی، فرامرز (۱۳۸۷)، *انجمن زرتشتیان تهران*، یک سده تلاش و خدمت، تهران: انتشارات فروهر، چ ۱.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، *سفرنامه‌ی پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه‌ی کیکاووس جهان‌داری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- جکسون، آبراهام والتین ویلیامز (۱۳۵۲)، *سفرنامه‌ی جکسون*، ترجمه‌ی منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات خوارزمی.
- جهانگیرمیرزا (۱۳۸۴)، *تاریخ نو (شامل حوادث دوره‌ی قاجار از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ هـ.ق)*، به سعی و اهتمام عباس اقبال، تهران: نشر علمی.
- دوروش‌شوار، کنت ژولین (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه‌ی مه‌ران توکلی، تهران: نشر نی.
- دو گوینیو، ژوزف آرتور (کنت) (۱۳۶۷)، *سه سال در آسیا (سفرنامه‌ی کنت دو گوینیو ۱۸۵۵-۱۸۵۱)*، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: انتشارات کتابسرا.
- دنلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مآثر سلطانیه (از روی نسخه‌ی موزه‌ی بریتانیا)*، به کوشش فیروز منصوری، تهران: انتشارات اطلاعات.
- دیولافوآ (۱۳۶۱)، *سفرنامه‌ی مادام دیولافوآ (ایران و کلده)*، ترجمه‌ی فره‌وشی (همایون سابق)، تهران: کتابفروشی خیام.
- ساروی، محمدفتح‌الله بن محمدتقی (۱۳۷۱)، *تاریخ محمدی (احسن التواریخ)*، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳)، *سفرنامه‌ی ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران*، ترجمه‌ی حسین سعادت نوری، [بی‌جا]: چاپخانه‌ی آسمان.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۷۷)، *ناسخ‌التواریخ*، به اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران: انتشارات اساطیر.
- سرنا، کارل (۱۳۶۲)، *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران (سفرنامه‌ی کارلا سرنا)*، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات زوآر.
- شاردن، ژان (۱۳۴۹)، *سیاحت‌نامه‌ی شاردن*، ترجمه‌ی محمد عباسی، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ ۲.

- شاهرخ، کیخسرو (۲۵۳۵)، یادداشت‌های کیخسرو شاهرخ نماینده‌ی پیشین مجلس شورای ملی، به کوشش جهانگیر اشیدری، تهران: انتشارات پرچم.
- شهرمدان، رشید (۱۳۶۳)، تاریخ زردشتیان، فرزندگان زردشتی، تهران: انتشارات فروهر.
- شیل، مری (۱۳۶۲)، خاطرات لیدی شیل (همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه)، ترجمه‌ی حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- فوریه، ژوانس (۱۳۶۸)، سه سال در دربار ایران، خاطرات دکتر فوریه پزشک ویژه‌ی ناصرالدین شاه قاجار، ترجمه‌ی عباس اقبال آشتیانی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۸۰)، ایران و قضیه‌ی ایران، ترجمه‌ی غلام‌علی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ناس، جان بی (۱۳۷۵)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه‌ی علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمدعلی (۱۳۶۱)، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: انتشارات آگاه.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳)، بیست سال در ایران، ترجمه‌ی علی پیرنیا، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات نوین.

ب. به زبان انگلیسی

- Balsare, p.p(1963), *High lights of Parsi History*, Bombay: V.Varadarajan.
- Bharucha, Edvard Sheriarji Dadabhai(1928), *Zoroastrian Religion and Customs*, Bombay: D.B.Taraporevala sons & co.
- Shroff, Zenobia E.(2001), *The Contribution of Parsis to education in Bombay city (1820-1920)*, Bombay: Himalaya Publishing House.
- Dhabhar, Edvard Bamanji Nusserwanji(1999), *The Persian Revayats of Hormazyar Faramarz and others*, Bombay: The K.R. Cama Oriental Institute.
- Kamekar, Mani, Dhunjisha,Soonu(2002), *From the Iranian Plateau to the Shores of Gujarat*, Mumbai: The K.R. Cama Oriental Institute.
- Kayoji Mirza, Hormazdyar, Dastur(1987), *Outlines of Parsi History*, Bombay: The K.R. Cama Oriental Institute.
- Kayoji Mirza, Dastur Dr. Hormazdyar(1999), “*Outlines of Parsi history, Zoroastrian Religion& ancient Iranian art*”, Bombay: The K.R. Cama Oriental Institute.
- Kulke, Eckehard(1974), *The Parsees in India*, New Delhi: Vikas publishing house Pvt Ltd.